



سوره‌شناسی مسبّحات

سیده زهرا اعتصامی*

دکتر سوسن آل رسول**

چکیده

برخی از سوره‌های قرآن کریم دارای سرآغاز مشترک اند، به‌گونه‌ای که با همان نام شناخته می‌شوند. سوره هفتگانه مسبّحات، از این جمله است. مسئله این تحقیق، یافتن مشترکات هفت سوره مسبّحات، یعنی سوره‌های اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی است که همه آنها با تسبیح آغاز شده‌اند. در این نوشتار سعی شده است ضمن خوشه‌چینی از خرمن فضل و اندیشه مفسران و صاحب‌نظران علوم قرآنی، برخی مضامین مشترک موجود در این سوره مبارکه نمایان شود. از جمله مضامین مشترک اصلی در این هفت سوره، تسبیح، اسماء‌الحسنی و رسالت است. از طرفی آیات سوره مسبّحات گویای اصول پنجگانه دین است. این آیات با تکیه بر پنج اصل توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد، فروع دین را نیز معرفی و وظایف اخلاقی شخص را نسبت به خدا، خود، افراد جامعه و خانواده‌اش بیان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: مسبّحات، رسالت، اصول دین.

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

** . دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.



مقدمه

سور مسبّحات سوره‌هایی است که با یکی از مشتقات تسبیح آغاز شده است. این مجموعه هفت سوره‌ای شامل سوره‌های ۵۷، ۱۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴ و ۸۷ است. در این مجموعه، سوره اسراء با واژه «سبحان»، سوره‌های حدید، حشر و صف با فعل ماضی «سَبَّح»، سوره‌های جمعه و تغابن با فعل مضارع «یَسْبِح» و سوره اعلی با فعل امر «سَبِّح» آغاز شده و از آنجا که در آیه ۴۴ سوره اسراء واژه «تسبیح» نیز در قالب مصدر آمده است می‌توان گفت تمام مشتقات تسبیح، از ماضی، مضارع، امر و مصدر در این هفت سوره به کار رفته است. این سوره‌ها از جهت واژه آغازین، به گروه هفت سوره‌ای مسبّحات معروف شده‌اند.

در فضیلت مسبّحات آمده: *آنّ النبى(ص) کان یقرأ المسبّحات کلّ لیلۃ قبل أن یرقد و یقول «انّ فیهنّ آیه خیر من ألف آیه»* (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۰) نبی اکرم(ص) هر شب قبل از خواب سوره‌های مسبّحات را قرائت می‌کرد و می‌فرمود: در آنها آیه‌ای است که بهتر از هزار آیه است.

سور مسبّحات

اسراء

سوره اسراء هفدهمین سوره قرآن مجید است که بعد از سوره نحل و قبل از سوره کهف قرار گرفته است. این سوره ۱۲ رکوع دارد و تعداد آیه‌های آن نزد اکثریت ۱۱۰ و نزد کوفیان ۱۱۱ آیه است (طوسی، بی تا: ۴۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳). همچنین این سوره دارای ۱۵۳۳ کلمه و ۶۴۶۰ حرف است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۳).

سوره اسراء یا اسری از آن جهت این نام را برای خود احراز کرده است که در آغاز سخن از اسراء یعنی معراج پیامبر(ص) سخن به میان آمده است. این سوره به سوره بنی اسرائیل نیز معروف است و در عهد صحابه و میان محدثان غالباً به این نام شناخته می‌شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۹۳؛ ابن عاشور، بی تا: ۶)، از آن رو که در آیات آغازین و پایانی آن (آیه‌های ۲، ۱۰۱ تا ۱۰۴) از سرگذشت و سرنوشت قوم بنی اسرائیل سخن به میان آمده است



(ابن عاشور، بی تا؛ ۵؛ شخّاته، ۱۳۷۴ش: ۳۰۷). گفتنی است در این سوره از احوال بنی اسرائیل مواردی ذکر شده که در دیگر سوره‌ها بیان نشده است، یعنی افساد آنها در زمین و کیفری که خداوند بر اثر افسادشان بر آنها وارد ساخت. این سوره با لحاظ کلمه آغازین آن سوره سُبْحان نیز نامیده شده است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۱۴۶).

سوره اسراء از نظر ترتیب نزول، در روایات مختلف در ردیف‌های ۴۶ تا ۵۰ جای گرفته (همان، صص ۳۸-۳۹) و بنا به روایت مشهور، پنجاهمین سوره قرآن کریم است که پس از سوره‌های شعراء، نمل و قصص و پیش از سوره‌های یونس، هود و یوسف نازل شده است (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۴۰۵؛ سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۷۷). سوره اسراء را همگان مکی دانسته‌اند (طوسی، بی تا: ۴۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۴۹) جز آنکه برخی از مفسران، آیاتی چند از این سوره (آیه های ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۵۷، ۶۰، ۷۳ تا ۸۱، ۸۵، ۸۸ و ۱۰۷) را استثنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۴۰۵؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۴۵؛ سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۵۱) اما غالب مفسران تأکید کرده‌اند که سیاق و محتوای آیات این سوره بر مکی بودن تمام آیات آن دلالت دارد (طوسی، بی تا: ۴۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶).

سوره اسراء بلندترین سوره از مجموعه هفت سوره‌ای است که با مشتقات تسبیح آغاز شده‌اند و در روایات نبی اکرم (ص) عنوان مسبّحات به آنها داده شده است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۷۷۹؛ شخّاته، ۱۳۷۴ش: ۳۰۷). به اعتقاد لسانی فشارکی موضوع اصلی در این مجموعه، مقامات پیامبر اکرم (ص) و امتیازات قرآن کریم است که در هر سوره جنبه‌ای از آن تفصیل می‌یابد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش: ج ۸، ص ۲۸۳). لازم به ذکر است که این سوره محور سور مسبّحات هفتگانه به شمار می‌رود. گویا این مجموعه هفت سوره‌ای خود قرآنی مستقل است که سوره اسراء مقدمه آن و سوره اعلی نتیجه آن است.

سوره اسراء اسلوب بیانی ویژه‌ای دارد و موضوعات اصلی و فرعی با تفاوت‌های منظم و بازگشتهای متعدد به هر مطلب، در انتهای یکدیگر بیان شده‌اند. مطالبی که در این سوره بیان شده است مانند سایر سوره‌های مکی عبارت اند از ریشه دار کردن اصول عقیده و دین در اثبات توحید، رسالت و معاد و ابراز شخصیت رسول اکرم (ص) و تأیید آن حضرت





با معجزاتی که صداقت ایشان را کفایت می‌کند و همچنین پاسخگویی به شبهات متعدد مشرکان (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۸).

این سوره «متعرض مسئله توحید خدای تعالی و یکتایی اش از هر شریکی که تصور شود، است و با اینکه در این خصوص بحث می‌کند، جانب تسبیح خدا را بر جانب حمد و ثنای او غلبه داده و به آن بیشتر پرداخته است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵).

به طور کلی محتوا و مضمون این سوره درباره چهار موضوع اساسی و کلیدی تسبیح، تحمید، توحید و تکبیر است که در تسبیحات اربعه آن را به همین ترتیب می‌خوانیم. این سوره با تسبیح آغاز شده و در خلال آن نیز پی‌در پی تسبیح آن تکرار شده است، به گونه‌ای که مشتقات تسبیح در این سوره هفت بار است (آیه های ۱، ۴۳، ۴۴، ۹۳، ۱۰۸) و این تعداد بیش از کاربرد آن در سوره‌های دیگر قرآن کریم است. «حتی آیه‌ای که سوره به آن ختم می‌شود نیز معنای تسبیح خدای تعالی را خاطر نشان ساخته است» (همان).

این سوره تنها سوره قرآن کریم است که لبریز از خصایص و ویژگیهای حاکی از شرافت، کرامت و شکوه رسول اکرم (ص) است؛ شرافتی که ایشان را بر تمامی پیامبران فضیلت می‌بخشد (بقاعی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۳-۳۲۷؛ اسراء، آیه های ۳۹، ۴۷، ۵۵، ۷۳، ۷۵، ۷۹، ۸۷، ۹۶).

شایان ذکر است، واژه تسبیح و انسان هر کدام ۷ بار و واژه رسول و قرآن به ترتیب ۱۰ و ۱۱ بار در این سوره آمده و تأکید بر مکارم اخلاق در آن فراوان است (آیه های ۳۹-۲۲، ۵۴، ۶۵، ۸۴، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۷). بنابراین می‌توان گفت محورهای اصلی سوره اسراء تسبیح، رسالت، قرآن، انسان و مکارم اخلاق است.

حدید

سوره حدید پنجاه و هفتمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره واقعه و قبل از سوره مجادله قرار گرفته است. این سوره نزد کوفیان و بصریان ۲۹ آیه و نزد مدنیها ۲۸ آیه دارد (طوسی، بی تا: ۵۱۷). این سوره دارای چهار رکوع است و ۵۴۴ کلمه و ۲۴۷۶ حرف دارد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱). از نظر ترتیب نزول، هشتمین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم (ص)



در شهر مدینه است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۲) و ردیفهای ۹۳ تا ۹۵ را به خود اختصاص داده است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸-۳۹). «دکتر رامیار این سوره را نود و چهارمین سوره در ترتیب نزول بعد از سوره زلزال و قبل از سوره محمد(ص) دانسته است».

سوره حدید را همگان مدنی دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۹۱). برخی معتقدند آیات آغازین این سوره شبیه آیات مکی است، با وجود این بر مدنی بودن تمام آیات این سوره تأکید کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۵). این سوره از عهد صحابه به همین نام مشهور بوده و از آن جهت این نام را به خود اختصاص داده که در آیه ۲۵ واژه حدید به معنای آهن به کار رفته است (ابن عاشور، بی تا: ۳۲۰). گفتنی است این واژه جمعاً ۶ بار در قرآن کریم آمده است (اسراء، آیه ۵۰؛ کهف، آیه ۹۶؛ حج، آیه ۲۱؛ سبأ، آیه ۱۰؛ ق، آیه ۲۲؛ حدید، آیه ۲۵) اما در آن آیات اشاره به اهمیت و منافع این فلز نشده، در صورتی که در سوره حدید، اهمیت آهن و موارد کاربرد دفاعی آن مطرح شده است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۹۱).

سوره حدید دومین سوره از سوره هفتگانه مسبحات است. در میان این گروه، پنج سوره ۵۷، ۶۲، ۶۱، ۵۹ و ۶۴ با فعل سَبَّح یا یَسْبِح آغاز شده است. این سوره‌ها که به طور متوالی و یک در میان در جزء بیست و هشتم قرآن کریم قرار گرفته و تمامی آنها تقریباً اواخر بعثت پیامبر اکرم(ص) در شهر مدینه نازل شده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۷۷) تناسب خاصی با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که برخی مفسران، این پنج سوره را مسبحات خمس دانسته‌اند که با سوره حدید آغاز و به سوره تغابن ختم شده است (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۳۵).

موضوع سوره حدید مانند سایر سوره‌های مدنی بیان احکام شرعی متعلق به عقیده، ایمان، جهاد و انفاق در راه خدا و متذکر شدن فتنه‌های دنیا، بیان اصول و احکام اسلامی، پرده برداری از نقشه‌های منافقان و همچنین شریعت‌های انبیا در زندگی خصوصی و عمومی است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۰). غرض این سوره «تحریک و تشویق مؤمنان به انفاق در راه خداست (حدید، آیه های ۷ و ۱۰)... در تشویق مردم به این عمل همین بس که انفاق مردم را قرض دادن آنان به خدای عزوجل دانسته. نیز وعده داده که در عوض انفاقشان اجری کریم و بسیار زیاد به آنان عطا کند (حدید، آیه ۱۸). در انتهای سوره اشاره کرده به اینکه منشأ این



انفاق تقوا و ایمان به رسول(ص) است و اثرش آمرزش گناهان و داشتن دو برابر از رحمت و ملازمت با نور و بلکه ملحق شدن به صدیقین و شهدا در نزد خدای سبحان است»(حدید، آیه ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۹۲).

سوره حدید دعوتنامه‌ای است برای جماعت مسلمین تا حقیقت ایمان را در درون خویش تحقق بخشند (قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۴۷۵). در این سوره قضیه ایمان به خدا و رسول(ص) ریشه‌دار شده، به آن فرمان داده شده و بر آن اساس تربیت شده است و آن دسته از معانی که به ایمان به خدا و رسول می‌انجامد در آن ذکر شده است (حوی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۹۳-م: ۵۸۰۶). بنابراین محورهای اصلی سوره حدید عبارت است از تسبیح، توحید، اسماء الحسنی، ایمان به رسالت و انفاق. فضل الهی نیز در دو آیه ۲۸ و ۲۹ مجموعاً پنج بار آمده و عبارت پایانی این سوره «وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» است.

حشر

۳۴

فصلنامه فدک

سوره حشر پنجاه و نهمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره مجادله و قبل از سوره ممتحنه قرار گرفته است. این سوره دارای ۳ رکوع است و ۲۴ آیه و ۴۴۵ کلمه و ۱۹۱۳ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۹۴). سوره حشر از نظر ترتیب نزول، پانزدهمین سوره نازل شده در شهر مدینه است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰) که طبق روایتهای مختلف در ردیفهای ۹۸ تا ۱۰۲ جای گرفته (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۷-۳۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۵۷) و بنابه روایت مشهور صدمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره بینه و قبل از سوره نصر بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۲) و نزول آن در پی اخراج بنی‌النضیر از سرزمینشان در سال چهارم هجری (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۰) و پس از جنگ احد و قبل از جنگ احزاب بوده است (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۶).

سوره حشر را همگان مدنی دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰). این سوره به نام حشر مشهور است و پیامبر اکرم(ص) آن را به این نام خوانده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق: ۸۶). این نام از آیه ۲ این سوره گرفته شده است. حشر یعنی بیرون کردن جماعت از مقر آنها



به جنگ و مانند آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۷). معنای حشر در این سوره، اخراج توأم با جمع کردن است (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۵۷). ابن عباس این سوره را با توجه به شأن نزولش سوره «بنی‌النضیر» نامیده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق: ۸۶؛ ابن عاشور، بی تا: ۵۶). آیات ۲ تا ۱۷ سوره به نقل جریان بنی‌نضیر پرداخته است. آنان همان یهودیانی هستند که عهدشان را با پیامبر اکرم (ص) شکستند، بنابراین نبی اکرم (ص) آنان را از مدینه منوره اخراج کرده است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۵).

سوره حشر سومین سوره از سوره هفتگانه مسبحات است که با تسبیح خدای عزیز و حکیم آغاز شده و با همین تسبیح نیز پایان یافته است، با این تفاوت که شروع سوره با فعل ماضی سَبَّح و پایان آن با فعل مضارع یَسْبَح است. این امتیاز انحصاری سوره حشر در گروه سوره مسبحات و شاید هم در تمامی قرآن است که ابتدا و انتهای سوره یکسان است.

بیشتر آیات «سوره حشر اشاره به داستان یهودیان بنی‌النضیر دارد که به خاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند و نیز به این قسمت از داستان اشاره دارد که سبب نقض پیمانشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض پیمان کنید، شما را یاری می‌کنیم، ولی همین که ایشان نقض پیمان کردند، منافقین به وعده‌ای که داده بودند وفا نکردند. در ضمن این اشارات مطالبی دیگر نیز در این سوره آمده و از آن جمله مسئله غنیمت بنی‌النضیر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۱۱).

شایان ذکر است که هدف از بیان داستان بنی‌النضیر در سوره حشر معرفی و شناساندن خدای عزوجل و افعال و اسمای حسناى اوست. بنابراین هدف و محور اصلی این سوره معرفت خدای عزوجل است و اولین گام در راه این معرفت، ایمان به اوست (حوی، ۱۴۱۴ق- ۱۹۹۳م: ۵۸۱۲) و در پی آن، دعوت مؤمنان به تقوا، خشوع و تفکر در تدبیر خدای حکیم که این دعوت با تسبیح ابتدایی سوره هماهنگ است (قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۵۲۱).

از جمله آیات برجسته این سوره، هفت آیه آخر آن است (آیه های ۱۸ تا ۲۴) که «خدای سبحان در آنها بندگان خود را دستور می‌دهد، از طریق مراقبت نفس و محاسبه آن، آماده دیدارش شوند و عظمت کلام و جلالت قدر خود را در قالب بیان عظمت ذات مقدسش و





اسمای حسنا و صفات علیائش بیان می‌نماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۱۲).

صف

سوره صف شصت و یکمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره ممتحنه و قبل از سوره جمعه قرار گرفته است. این سوره دارای ۲ رکوع است و ۱۴ آیه و ۲۲۱ کلمه و ۹۰۰ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۴). از نظر ترتیب نزول، بیست و سومین یا بیست و پنجمین سوره نازل شده در شهر مدینه محسوب می‌شود (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱) که طبق روایتهای مختلف در ردیفهای ۱۰۸ تا ۱۱۰ جای گرفته است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۳) و بنا به روایت مشهور صد و هشتمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره تغابن و قبل از سوره فتح، بعد از جنگ احد بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (ابن عاشور، بی تا: ۱۵۵).

سوره صف سوره‌ای مدنی است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱؛ طوسی، بی تا: ۵۹۰؛ سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸) اما برخی از مفسران این سوره را مکی پنداشته‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۴؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ۵۲۶). مشهورترین نام این سوره، صف است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۵۳۴) زیرا در آیات آغازین آن (آیه ۴) این واژه به کار رفته است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ». نام دیگر سوره صف، سوره حواریین است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۱۴۸). این وجه تسمیه از آن جهت است که در آیه آخر این سوره، سخن از حواریون به میان آمده است که یاران خاص حضرت عیسی (ع) بودند. همچنین، به سوره عیسی (ع) نیز مشهور شده است (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۳۸۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۴) و این نام، به جهت یاد کردن از حضرت عیسی در آیات ۶ و ۱۴ این سوره است.

در بیان سبب نزول سوره صف آمده است که عبدالله بن سلام گوید: من و چند نفر از یاران رسول خدا (ص) نزد ایشان نشسته بودیم و می‌گفتیم، اگر می‌دانستیم کدام عمل نزد خداوند تبارک و تعالی بهتر است، آن را انجام می‌دادیم. خداوند آیات سوره صف را نازل و پیامبر (ص) آن را برای ما تلاوت کرد (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۶).



سوره صف از یک مقدمه و سه مقطع تشکیل شده است. آیه اول، مقدمه آن و سه مقطع دیگر هر کدام با عبارت «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز شده است (حوی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۹۳-م: ۵۸۷۶). محور این سوره و موضوع آن جهاد با دشمنان، تشویق به فداکاری در راه خدای متعال و بیان پاداش بزرگ مجاهدان است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۵۳۵). به عبارت دیگر، «این سوره مؤمنین را ترغیب و تحریک می‌نماید تا در راه خدا جهاد نموده با دشمنان دین او کارزار نمایند و خبر می‌دهد که این دین نوری است درخشان، از خدای سبحان که کفار از اهل کتاب می‌خواهند آن را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا نور خود را تمام می‌کند، هر چند که کافران کراهت داشته باشند و دین خود را بر تمامی ادیان غلبه می‌دهد، هر چند که مشرکین نخواهند، و این پیامبری که به او ایمان آورده‌اند، فرستاده‌ای است از جانب خدای سبحان، او را فرستاده تا هدایت باشد، و دین حق را به شما برساند، این همان است که عیسی بن مریم بنی اسرائیل را به آمدنش بشارت داد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۰۲).

جمعه

سوره جمعه، شصت و دومین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره صف و قبل از سوره منافقون قرار گرفته است. این سوره دارای ۲ رکوع است و ۱۱ آیه و ۱۸۰ کلمه و ۹۲۰ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۰). در ترتیب نزول، بیست و چهارمین سوره نازل شده در شهر مدینه است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱) که طبق روایتهای مختلف، در ردیفهای ۱۰۶ تا ۱۰۹ جای گرفته (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸-۳۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۸۴) و بنا به روایت مشهور، صد و هشتمین سوره قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۳۳) که بعد از سوره صف و قبل از سوره تغابن بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱). در بیان سبب نزول سوره جمعه نقل شده که جابر بن عبدالله می‌گوید: ما روز جمعه با رسول الله (ص) در مسجد بودیم. کاروان تجارتی که طعام حمل می‌کرد رسید. مسلمانان از مسجد برای تماشای آن خارج شدند و فقط دوازده نفر نزد پیامبر (ص) باقی ماندند. پس سوره جمعه نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۹).



سوره جمعه را همگان مدنی دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۶۸؛ زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱) و سیاق آیات و سبب نزول آن نیز بیانگر همین مطلب است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۴۵) اما برخی از مفسران آن را در شمار سوره‌های مکی ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۸۷۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۰).

تنها نام این سوره، جمعه است. وجه تسمیه این نام، وقوع لفظ جمعه در آیه ۹ این سوره است که در آن خدای تعالی مسلمین را برای حضور در نماز جمعه فرا می‌خواند (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۵۶۰). گفتنی است نام جمعه قبل از اسلام در میان اعراب رواج نداشته و بعد از اسلام هفتمین روز هفته به این نام خوانده شده است (ابن عاشور، بی تا: ۱۸۳).

سوره جمعه پنجمین سوره از سوره هفتگانه مسبحات است که در قرآن کریم بلافاصله بعد از سوره صف قرار گرفته و مطابق برخی از روایات، نزول این دو سوره نیز پی در پی بوده است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱). همان گونه که ذیل سوره اسراء آمده، محور سوره مسبحات، مقامات پیامبر اکرم (ص) و امتیازات قرآن کریم است. در این سوره از امتیازات رسول اکرم (ص)، جهانی بودن رسالت ایشان و منت و فضلی صحبت شده که خدای تعالی به وسیله نبوت آن حضرت بر جهانیان دارد و در ادامه، ایشان معلم حکمت و تعالیم قرآن معرفی شده اند (آیه‌های ۲ تا ۴) و با بیان مثالی از حال یهودیان در برخورد با تورات، مسلمانان به عمل کردن به تعالیم قرآن فراخوانده شده اند (آیه ۵).

این سوره با اشاره به تسبیح تمامی موجودات آسمانها و زمین برای خداوندی آغاز شده که ملک و قدوس و عزیز و حکیم است و ذیل این آیه، بعثت پیامبری را از میان مردم امی برای انجام برنامه‌ای در چهار ماده بیان می‌کند: الف. «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» ب. «يُزَكِّيهِمْ» پ. «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» ت. «وَالْحِكْمَةَ». «این برنامه چهارماده‌ای تجلی همان چهار صفت ذکر شده در آیه نخست است، به این ترتیب که با شناخت آیات خدا مالکیت او آشکار می‌شود و تزکیه نفس، انسان را به خداوند قدوس نزدیک می‌سازد و با تعلیم کتاب و قوانین الهی، عزتش آشکار می‌گردد و با آموزش حکمت، حرکت به سوی خدای حکیم میسر می‌گردد» (بازرگان، ۱۳۷۲ش: ۱۹۵).



در آیات سوره جمعه «رسول اکرم(ص) معلم کتاب و حکمت معرفی شده است و به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجه بر آن مردم امی و تمام افرادی که به آنان ملحق می‌شوند و نسلهای بعد از آنان تحمیل می‌گرداند (آیه های ۲ و ۳). در این آیات تشریح دین و انزال کتب آسمانی و بعثت رسولان... همه‌اش فضلی و متنی از جانب خدای تعالی شمرده می‌شود... و در ادامه آیات امت مسلمان را هشدار می‌دهد که مبدا مانند یهود باشند که خدای تعالی، تورات را بر آنان تحمیل کرد، ولی آنان به معارف آن معتقد نگشتند و به احکامش عمل نمودند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۳۰-۵۳۳). پس خبر از ادعای یهودیان می‌دهد که خود را اولیای خدا می‌دانند و این ادعا را رد می‌کند. در آخر نیز متذکر می‌شود که مرگ حقیقتی است که در نهایت همگان را درمی‌یابد (آیه های ۶ تا ۸). بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم ترین محورهای سوره جمعه بیان صفات پیامبر امی است که خداوند او را رحمة للعالمین قرار داد (مراغی، بی تا: ۱۰۴).

اما محور اصلی این سوره آیات پایانی آن است (قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۵۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۳۰؛ بقاعی، ۱۴۱۵ق: ۵۹۰) که در این آیات «مسلمین را به حضور در نماز جمعه فرا می‌خواند و اعلان می‌دارد که نماز جمعه از شعائر معظم خداست که تعظیم و اهتمام به امر آن، هم دنیای مردم و هم آخرت آنان را اصلاح می‌نماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۳۰). بنابراین غرض و محور اصلی سوره، تحذیر از تخلف از نماز جمعه است و امر به ترک اموری که انسان را از این نماز باز می‌دارد (ابن عاشور، بی تا: ۱۸۵).

تغابن

سوره تغابن، شصت و چهارمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره منافقون و قبل از سوره طلاق قرار گرفته است. این سوره دارای دو رکوع است و ۱۸ آیه و ۲۴۱ کلمه و ۱۰۷۰ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۹). در ترتیب نزول، بیست و پنجمین سوره نازل شده در شهر مدینه است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱) که طبق روایتهای مختلف، در ردیفهای ۱۰۷ تا ۱۰۹ جای گرفته (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸-۳۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۹۷) و بنا به روایت مشهور، صد و



نهمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره جمعه و قبل از سوره فتح بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۳).

سوره تغابن در قول اکثریت مدنی است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۳۱؛ زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱) اما برخی آن را مکی دانسته‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۹؛ بازرگان، ۱۳۷۲ش: ۵۵۱). سیوطی تنها آیات آخر آن را مکی می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۵۴) اما علامه طباطبایی با توجه به سیاق سوره، بر مدنی بودن تمام آیات آن تأکید کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۲). تنها نام این سوره، تغابن است و وجه تسمیه آن وقوع این لفظ در آیه ۹ است. لفظ تغابن تنها یک بار در قرآن کریم آمده و یکی از نامهای روز قیامت است (انیس، ۱۳۶۷ش: ۶۴۴). علت این نام برای روز قیامت این است که همه چیز برخلاف مقدارش در دنیا، برای انسانها آشکار می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۰۲).

سوره تغابن، ششمین سوره از سوره هفتگانه مسبحات است که مانند سوره جمعه با فعل مضارع یُسَبِّح آغاز شده است. به عبارت دیگر، سوره تغابن، آخرین سوره از پنج سوره متوالی مسبحات است که آغاز آنها سوره حدید، با فعل ماضی سَبَّح و پایان آنها سوره تغابن، با فعل مضارع یُسَبِّح است. همچنین این سوره‌های متوالی با دو نام از اسمای حسناى الهی یعنی «الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» در سوره حدید آغاز شده و به این دو نام در پایان سوره تغابن ختم شده است. علامه طباطبایی سوره تغابن را از نظر سیاق و نظم شبیه به سوره حدید دانسته است و بیان می‌دارد که گویا این سوره خلاصه سوره حدید است. همچنین ایشان محور موضوعی هر دو سوره را تشویق و تحریک مؤمنان به انفاق در راه خدا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۱).

سوره تغابن از آن جهت که به امور اعتقادی پرداخته، بسیار شبیه سوره‌های مکی است (قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۵۸۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۶۱۶). این سوره با بیان برخی اسمای حسناى الهی که به جلال و قدرت و علمش متصل می‌شود، آغاز و در ادامه به خلقت انسان و تقسیم او به دو دسته مؤمن و کافر اشاره کرده است (آیه‌های ۱ و ۲). سپس به انذار کفار پرداخته است و آنچه که امتهای گذشته مرتکب آن شدند، از جمله تکذیب پیامبران به خاطر بشر بودن



آنان و همچنین انکارشان نسبت به معاد را متذکر می شود. سپس درصدد پاسخ‌گویی به آنان برمی آید و از حق بودن قیامت و جزای اعمال خبر می دهد (آیه های ۵ تا ۷). ابن عاشور هدف از بیان آیات مواضع کفار در مقابل پیامبران گذشته و انکار معاد را تسلاهی خاطر رسول خدا(ص) می داند، از این جهت که اصرار آنان بر کفر، ضرری به ایشان نمی‌رساند (ابن عاشور، بی تا: ۱۱۹).

سورهٔ تغابن دارای دو مقطع است. مقطع اول (از ابتدای سوره تا آیهٔ ۱۳) ساختاری است که عقیده را بنیان‌گذاری می کند و به اسلوب سور مکی است و حقیقت ارتباط میان خالق سبحان و این هستی را که آن را آفریده بیان می‌دارد. اما فقرهٔ دوم (از آیهٔ ۱۴ آغاز می شود) مانند سوره‌های مدنی مؤمنان را خطاب قرار می‌دهد تا آنان را به انفاق تشویق و از فتنه‌های اموال و اولاد بازدارد (قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۵۸۳).

بنابراین، «غرض اصلی سورهٔ تغابن اولاً تشویق و تحریک مؤمنان به انفاق در راه خداست، ثانیاً اینکه ناراحتیها و تأسفهایی که در اثر هجوم مصائب در دلهاشان نشست برطرف سازد و نویدهایی دهد که اگر در راه ایمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه، مشقاتی را متحمل می‌شوند، همه به اذن خداست... و آیات ابتدایی سوره نیز جنبهٔ مقدمه و زمینه چینی برای بیان همین غرض را دارد و هشدار بر اطاعت از فرامین خدا و رسول گرامیش است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۱).

اعلی

سورهٔ اعلی هشتاد و هفتمین سورهٔ قرآن کریم است که میان دو سورهٔ طارق و غاشیه جای گرفته است. این سوره دارای یک رکوع است و ۱۹ آیه و ۷۲ کلمه و ۲۷۱ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۲). در ترتیب نزول، هفتمین سورهٔ مکی است که پس از سورهٔ تکویر و قبل از سورهٔ لیل بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده است (زرکشی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۹؛ سیوطی، ۱۴۲۵ق: ۳۸-۳۹). این سوره در برخی روایات دیگر هشتمین سورهٔ مکی ذکر شده است (ابن عاشور، بی تا: ۲۴۰) اما زرکشی همان قول اول را آورده است.





سورهٔ اعلیٰ را همگان مکی دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۷۱) با وجود این، برخی از مفسران به لحاظ دو آیهٔ ۱۴ و ۱۵ که به زکات فطره و نماز عید فطر تفسیر شده‌اند، تنها صدر سوره را مکی و ذیل آن را مدنی پنداشته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۳۹). روایتی نیز از قول ضحاک در برخی تفاسیر آمده که تمام این سوره را مدنی می‌داند (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۱۵)، اما وجود آیهٔ «سَنُقْرِئُكَ» در این سوره، شاهی بر مکی بودن آن است (ابن عاشور، بی تا: ۲۴۰). همچنین زرکشی آیات ۱۴ و ۱۵ این سوره را در حکم آیاتی می‌داند که نزول آن قبل از حکم بوده (ص ۳۲)، بنابراین مکی بودن تمام این سوره مورد تأیید است. این سوره اعلیٰ نامیده شده، زیرا آغاز آن با این آیهٔ کریمه است: «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى». در این آیه خدای متعال با تمام صفات تمجید و تعظیم توصیف شده است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۵۶۲). همچنین این سوره در سنت و میان صحابه به سورهٔ «سَبِّح» مشهور بوده است (ابن عاشور، بی تا: ۲۴۰؛ بقاعی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۳). گفتنی است واژهٔ اعلیٰ مشتق از عَلُوٌّ به معنای ارتفاع و بلندی است و هنگامی که خداوند به آن توصیف می‌شود، به معنی بلندمرتبه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۴).

سورهٔ اعلیٰ آخرین سوره از مجموعهٔ هفت سوره‌ای مسبحات، در ترتیب تلاوت و نخستین سورهٔ آن مجموعه در ترتیب نزول است. به اعتقاد لسانی فشارکی «محمور موضوعی سورهٔ اعلیٰ نیز همان محور موضوعی مشترک در مجموعهٔ مسبحات است که عبارت از مقامات پیامبر اکرم (ص) و امتیازات قرآن کریم است و در این سوره، کیفیت خاص آماده سازی حضرت محمد بن عبدالله (ص) برای به انجام رساندن رسالت جهانی اسلام در پرتو عنایت خاص پروردگار و چگونگی ثبت و ضبط حروف و کلمات و عبارات قرآنی در قلب آن حضرت و جاری شدن کلام الله بر زبان پیامبر اکرم (ص) مورد نظر بوده است که به رغم وحدت مضامین کتب آسمانی و اتحاد دعوت همهٔ رسولان الهی آن کیفیت خاص و آن گونه از تلقین و تلقی وحی، برای هیچ یک از پیامبران پیشین و در مورد هیچ یک از دیگر کتب آسمانی سابقه نداشته است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش: ج ۸، ص ۴۰۱).

آهنگ انتهایی تمامی آیات در سورهٔ اعلیٰ حرف الف است و از این جهت شبیه سورهٔ



اسراء است.

سوره اعلی در حقیقت عصاره مکتب انبیا و دعوت پیامبران است. این سوره با امر به تسبیح آغاز می‌شود و بیان می‌کند که تسبیح برترین نوع از انواع عبادت است (حوی، ۱۴۱۴ق ۱۹۹۳-م: ۶۴۸۳). «در آیات سوره اعلی به توحید خدای تعالی امر شده، توحیدی که لایق به ساحت مقدس او باشد و نیز به تنزیه ذات متعالیه‌اش از اینکه نام مقدسش با نامی دیگر ذکر شود، یا چیزی که باید به او مستند شود به غیر او نسبت دهند، مثلاً کسی دیگر را در خلقت و تدبیر و رزق شریک او بدانند، و به رسول خدا(ص) وعده تأیید می‌دهد، تأیید به وسیله علم و حفظ و نیز وعده می‌دهد که او را از آسان‌ترین طریق و مناسب‌ترین راه، موفق به تبلیغ و دعوت بفرماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۳۸).

اصول دین در سور مسبحات

آیات سور مسبحات گویای اصول پنجگانه دین است.

توحید

در سوره اسراء آغاز و پایان سوره گویای اصل توحید است. علاوه بر آن، آیات متعددی چون «لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (۲۲، ۳۹)، «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (۲۳)، «وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا» (۶۵) و همچنین تسبیحات مکرری که مجموعاً هفت بار در این سوره آمده، از جمله آیات بیانگر اصل توحید است.

در سوره حدید، آغاز و پایان سوره، گویای اصل توحید است. در تأکید بحث، توجه به مقدمه توحیدی سوره یادآوری می‌شود که شش آیه اول آن را تشکیل می‌دهد و در تمام قرآن بی‌نظیر است.

در سوره حشر، آغاز و پایان سوره، گویای آن است. «توحید ذاتی و صفاتی، همچنین کلیه اعمال در این سوره به خداوند نسبت داده شده است: یعنی توحید افعالی (آیاتی چون ۲، ۳، ۶، ۷) از این دسته اند» (بازرگان، ۱۳۷۲ش: ۱۸۰). علاوه بر آن، در این سوره مجموعاً بیست و





نه بار، لفظ جلاله الله و بیست و چهار نام از اسمای حسناى الهى آمده است که در این میان نام عزیز سه بار به کار رفته (آیه های ۱، ۲۳ و ۲۴) که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. گفتنی است این نام تقریباً در تمامی آیات سوره حشر تجلی یافته و بیانگر این مطلب است که ماجرای اجلای وطن بنی النضیر و رسوایی آنان یکی از مظاهر عزت الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۱۳ و ۴۱۹).

در سوره صف، آغاز سوره بیانگر اصل توحید است. در این آیه تسبیح تمامی آسمانها و زمین برای خدای سبحان را ذکر می کند و خدای متعال را دارای دو صفت عزت و حکمت الهی می داند.

در سوره جمعه، آغاز سوره بیانگر این اصل است. این سوره تسبیح تمامی موجودات آسمانها و زمین برای خدای سبحان را خاطر نشان و خدای متعال را به چهار صفت ملک، قدوس، عزیز و حکیم توصیف می کند. علاوه بر آن، در آیه سوم با تکرار دو صفت عزیز و حکیم بر این اسمای حسناى الهی تأکید شده و در آیه چهارم، با اشاره به فضل الهی، خدای تعالی ذوالفضل العظیم نامیده شده است. سوره جمعه با عبارت «وَاللّٰهُ خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ» ختم شده است.

در سوره تغابن، آیات آغازین سوره، یعنی آیات اول تا چهارم با بیان تسبیح و حمد الهی و اسمای حسناى چون قدیر، بصیر و علیم به این اصل اشاره دارد. در این آیات، همچنین خلقت و صورتگری انسانها نیز بیان شده است. علاوه بر آن در آیه چهارم سوره، از مشتقات علم، سه بار در قالب کلمات علیم و یعلم آمده و بر علم الهی بر اعمال و افکار انسانها تأکید شده است. در آیه سیزدهم نیز یکی از آیات عظیم الشان «اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» آمده و مؤمنان امر به توکل به خدای یکتا شده اند و در نهایت، سوره تغابن با بیان اسمای حسناى الهی پایان یافته است.

در سوره اعلی، آیات اول تا پنجم سوره، بعد از امر به تسبیح خدای تعالی، هفت توصیف از پروردگار متعال بیان می شود که عبارت اند از ربوبیت، علو، خلقت، تسویه، تقدیر، هدایت و رویاندن گیاهان. علاوه بر آن، آیه هفتم سوره گویای علم الهی به آشکار و نهان است و



تمامی آیات مذکور، اصل توحید را بیان می کنند.

نبوت

در سوره اسراء آیات فراوانی گویای مقامات رسول اکرم(ص) و جنبه رسالت ایشان و در محورهای سوره آمده است. آیات آغازین سوره به نبوت حضرت موسی(ع) و حضرت نوح(ع) اشاره می کند (آیه های ۲ و ۳) و مشتقات رسول که در این سوره ده بار آمده، تأکید بر اصل نبوت است. برای نمونه آیات ۹۳ تا ۹۵ سوره اسراء به واژه «رسولا» ختم شده که در تمام قرآن بی نظیر است.

در سوره حدید، یک بار واژه نبوت (آیه ۲۶) و ده بار مشتقات کلمه رسول آمده است و سراسر سوره لبریز از آیاتی است که مؤمنان را به ایمان واقعی به رسول خدا(ص) دعوت می کند. توجه به عظمت مقام رسول خدا(ص) در آیات ۷، ۸، ۹ و ۲۸ این سوره نمایان است، زیرا ایمان به پیامبر اکرم(ص) بلافاصله پس از ایمان به خدا مطرح شده است. همچنین در آیات ۱۹، ۲۱ و ۲۵ جمع کلمه رسول یعنی «رسل» به کار رفته و در آیات ۲۶ و ۲۷ به نام پیامبرانی چون حضرت نوح، ابراهیم و عیسی علیهم السلام و مقام اولوالعزم و صاحب کتاب بودن هر سه اشاره شده و در آیه بعد بر ایمان مجدد به پیامبر گرامی(ص) تأکید شده است.

در سوره حشر، با توجه به شأن نزول سوره، در بیشتر آیات آن، اصل نبوت ظهور کامل دارد. در تأیید این مطلب، کاربرد مشتقات واژه رسول است که در مجموع هفت بار (آیه های ۴، ۶، ۷ و ۸) در این سوره آمده است. مهم ترین آیه در بیان اصل نبوت، حکم کلی ولایت تشریحی رسول خدا(ص) در آیه ۷ است (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۳۲). گفتنی است در سوره حشر نقش رسول خدا(ص) از بعد ولایت در امور امت، به خصوص مسئله جنگ و رهبری سیاسی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. آنچه توصیه شده اطاعت از خدا و رسول در این گونه امور (آیه ۷) و عدم عصیان و سرپیچی و درافتادن با ایشان است (حشر، آیه ۴؛ بازرگان، ۱۳۷۲ش: ۱۷۷).





در سوره صف، آیات ۵ و ۶ اشاره به نبوت حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) دارد و همچنین بشارت پیامبری حضرت رسول اکرم(ص) در آیه ۶ داده شده است. خداوند در آیه ۹، رسول گرامی‌اش را مظهر هدایت دانسته و وعده داده است که دینش را بر سایر ادیان الهی غالب گرداند و در آیه ۱۱، پس از ایمان به خدا، مسلمانان را به ایمان به رسول اکرم(ص) و جهاد در راه خدا دعوت کرده و پاداش این ایمان را آموزش گناهان و داخل شدن در بهشت جاودان و مسکن‌های خوش در آن مکان و در نهایت حاصل همه این اعمال را «فوز عظیم» دانسته است (صف، آیه ۱۲).

سوره جمعه، آیات دوم تا چهارم به این اصل پرداخته و نعمت نبوت پیامبر اکرم(ص) را بر جهانیان منت و فضلی از جانب خدای تعالی دانسته است.

سوره تغابن، آیه ششم اشاره به رسالت انبیای گذشته و معجزات آنان کرده و آیات هشتم و دوازدهم، به ایمان به رسول اکرم(ص) و اطاعت از ایشان فرمان داده و نبی اکرم(ص) را با خطاب «رَسُولَنَا» تکریم کرده و وظیفه ایشان را تنها ابلاغ رسالت دانسته است (تغابن، آیه ۱۲).

سوره اعلی، علاوه بر آیات ششم تا هشتم که نبی اکرم(ص) را خطاب قرار داده است و به ایشان وعده تأیید به وسیله علم و حفظ می‌دهد و نیز وعده می‌دهد که ایشان را از آسان‌ترین طریق و مناسب‌ترین راه موفق به تبلیغ و دعوت بفرماید، در آیات ۱۶ و ۱۷ عصاره دعوت پیامبران الهی را بیان می‌دارد و در آیات پایانی سوره نیز به کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته اشاره می‌کند و وحدت رسالت تمامی پیامبران الهی از ابراهیم(ع) تا موسی(ع) را بیان می‌کند و با این تعبیرات اصل نبوت در این سوره نیز به اثبات می‌رسد.

عدل

در سوره اسراء داستان بنی اسرائیل در آیات آغازین و پایانی اشاره به فساد آنان در زمین و در نتیجه عذاب‌ها و آوارگی‌هایی که دچار آن شدند، گویای عدل الهی است. علاوه بر آن، آیات ۱۴ و ۱۵ انسان را مسئول اعمال خود بیان می‌کند. همچنین آیاتی که اشاره دارد به



اینکه خداوند بی‌جهت انسانها را عذاب نمی‌کند و با ارسال پیامبران حجت را بر بندگان تمام می‌کند (آیه ۵۹) و آنچه بندگان در دنیا و آخرت به آن دچار می‌شوند در نتیجه اعمالشان است (آیه‌های ۱۹، ۲۵، ۳۶) تماماً اشاره به عدل الهی دارد.

در سورهٔ حدید، عدل الهی در آیه ۱۰ مطرح شده و اجر سبقت گیرندگان به انفاق بیش از بقیه بیان می‌شود. مهم‌تر از آن، آیه ۲۵ است که هدف از بعثت پیامبران و ارسال رسل و انزال کتب را اقامهٔ قسط و عدل بیان می‌کند. در این آیه دو واژهٔ میزان به معنای ترازو و قسط، معادل عدل و انصاف آمده و خود‌گویای تمام مطالب در بیان اهمیت عدل در این سوره است.

در سورهٔ حشر، تمامی سبب نزول سوره، گویای این اصل است زیرا اگر عدل الهی در میان نبود، رسوایی یهودیان، منافقان و دشمنان رسول خدا(ص) اتفاق نمی‌افتاد. همچنین آیه ۲۰ که مساوی نبودن دوزخیان و بهشتیان را بیان می‌دارد گویای عدل الهی است.

۴۷

سوره‌شناسی مسیحاک

در سورهٔ صف، آیه ۵ بیان شده که بنی‌اسرائیل، حضرت موسی (ع) را اذیت و آزار کردند، در نتیجه دچار انحراف شدند و خداوند در اثر این نافرمانی، دل‌های آنان را از حق برگرداند. این چنین به مسلمانان نیز هشدار می‌دهد که اگر از فرامین رسول اکرم(ص) اطاعت نکنند و به اذیت و آزار ایشان بپردازند، از دین منحرف می‌شوند (صف، آیه ۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۰۴). همچنین آیات ۱۱ و ۱۲ نتیجهٔ ایمان به خدا و رسول(ص) را غفران و بهشت و «فوز عظیم» بیان کرده است. اینها همه بیانگر عدل الهی است و اینکه اعمال انسان بی‌نتیجه نخواهد ماند.

در سورهٔ جمعه، عدل الهی در آیات ۵ و ۷ سوره تلویحاً آمده است، به این ترتیب که با مخاطب قرار دادن علمای یهود، مسلمانان را متذکر می‌شود که اگر به احکام و آیات قرآن عمل نکنند، همچون یهودیان دچار گمراهی می‌شوند. در آیه ۸ نیز بیان شده است که مرگ همگان را درمی‌یابد و هیچ‌گیزی از آن نیست. خود این اصل نماد عدل الهی است که همگان در برابر آن برابرند.

سورهٔ تغابن آیات ۴ تا ۶ گویای عدل الهی است، زیرا به این مطلب اشاره کرده که کفار،



پیامبران را تکذیب و معاد را انکار کردند، به همین دلیل فرجام بد کارشان را چشیدند. آیه ۱۱ نیز می‌تواند بیانگر این اصل باشد، زیرا عدل خدای تعالی اقتضا می‌کند که مؤمنان را هدایت و کافران را گمراه کند.

سورهٔ اعلیٰ، آیات ۱۰ تا ۱۴ بیانگر این مطلب است که نرم دلان به تذکرات رسول خدا(ص) گوش فرا می‌دهند و سنگدلان از او می‌گریزند و به آتش خشم الهی دچار می‌شوند و در آن جاودانه خواهند ماند، اما هر کس نفس خویش را پاکیزه گرداند، به فلاح و رستگاری می‌رسد. این آیات از آن جهت که پاداش اعمال انسانها را بیان می‌کنند، نماد عدل الهی اند. اگر غیر از این بود انسانها انگیزه‌ای برای پاک زیستن و دوری از گناه نداشتند، زیرا تفاوتی میان زندگی پاک و بی‌آلایش و زندگی سرشار از گناه وجود نداشت.

امامت

در سورهٔ اسراء، اصل امامت در آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (آیه ۷۱) صریحاً بیان شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۰). گفتنی است در تفاسیر ذیل این آیه، روایات فراوانی ذکر شده است. از جمله در تفسیر قمی مشهدی آمده است، امام صادق(ع) فرمود: هر امتی را امام زمان خودش محاسبه می‌کند و ائمه دوستان و دشمنان خود را از چهره هایشان می‌شناسند (۱۳۶۸ش: ۳۸۴).

سورهٔ حدید، آیه ۱۷ اشاره به زمان ظهور حضرت مهدی(عج) دارد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۵۲). همچنین، طبق روایتی از امام صادق(ع) در آیه ۲۸ سوره که آمده «وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» آیه: «إِمَامًا تَأْتُمُونَ بِهِ» (همان و کلینی رازی، ۱۳۸۳ش: ۲۸) «منظور از نوری که با آن رفت و آمد کنید، امامی است که به وی اقتدا کنید» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۶۳).

سورهٔ حشر، آیه ۷ گویای اصل امامت است، از این جهت که امام صادق فرمودند: «این آیه دربارهٔ ما نازل شد، زیرا آنچه برای خدا و رسول(ص) است، برای ما می‌باشد و ما خویشان پیامبر هستیم ... و ما در راه ماندگانیم، زیرا راه خدا به غیر از طریق ما شناخته نمی‌شود و تمام امور برای ماست» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۵). بیشتر مفسران



نیز معتقدند منظور از «ذی‌القربی» در این آیه، خویشان و دودمان رسول خدا(ص) است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۰۷؛ بازرگان، ۱۳۷۲ش: ۴۱۸).

در سوره صف، به استناد برخی روایات، آیه ۸ به نور ولایت امیرالمؤمنین علی(ع) و آیه ۹ به ظهور حضرت مهدی(عج) اشاره دارد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۸۲). همچنین آیه ۱۳ وعده نصرت و پیروزی را بیان کرده و عبارت «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» اشاره به فتح مکه و قیام حضرت مهدی(عج) و فتح و ظهور ایشان دارد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۷).

در سوره جمعه، به استناد برخی روایات، آیات ۲ و ۴ به اصل امامت اشاره دارد. از جمله به نقل از ابن عباس آمده است: در آیه دوم سوره جمعه، منظور از «کتاب» قرآن است و منظور از «حکمت» ولایت علی بن ابی طالب(ع) است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۸۳). در ذیل آیه ۴ نیز به نقل از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) آمده است این آیه درباره امیرالمؤمنین نازل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۷۲).

در سوره تغابن، ذیل آیه ۲ از امام صادق(ع) روایت شده: خداوند ایمان خلاق را با ولایت ما و کفرشان را با ترک ولایت ما شناخت. در روزی که از آنان میثاق گرفت، یعنی عالم ذر و در صلب آدم. همچنین ذیل آیه ۸ از امام باقر(ع) آمده است: منظور از نور، ائمه و آل محمد(ص) است. به خدا قسم آنان نور خداوند در آسمانها و زمین هستند. نور امام در قلوب مؤمنان، نورانی‌تر از خورشید نورانی در روز است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۳۷۱). این آیات خود گویای اصل امامت است.

در سوره اعلی، ذیل آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» آمده است: از امیر مؤمنان حضرت علی(ع) درباره این آیه پرسیدند. ایشان فرمودند: دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمانها و زمین را خلق کند، روی ستون عرش نوشته شده بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ فَاشْهَدُوا بِهِمَا وَ أَنْ عَلِيًّا (ع) وَصِيُّ مُحَمَّدٍ (ص)» (همان: ۴۱۷). همچنین ذیل آیه ۱۶ آمده است: امام صادق(ع) فرمود: «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» یعنی ولایت اهل دنیا را برمی‌گزینید «وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» یعنی ولایت امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) (همان: ۲۳۹). این روایات می‌تواند بیانگر اصل امامت در سوره اعلی باشد.



معاد

در سوره اسراء واژه قیامت جمعاً چهار بار در آیات ۱۳، ۵۸، ۶۲ و ۹۷ آمده و صریحاً اشاره به معاد دارد. همچنین آیات ۴۹ تا ۵۱ بیان می‌دارد: «اگر شما سنگ باشید یا آهن یا هر آفریده‌ای که در نظر شما بزرگ می‌نماید، باز هم برانگیخته خواهید شد». آری، این آیات هر گونه انکار در اصل معاد را رد می‌کند.

سوره حدید آیات ۱۲ تا ۱۵، بیانگر قیامت و حالات آن و گفت و گوهایی است که میان مؤمنان و منافقان صورت می‌گیرد. همچنین آیه ۲۰ که طبیعت زندگی دنیا را بیان می‌کند و در نهایت اشاره به آخرت دارد و زندگی دنیا را کالایی فریبنده می‌داند، می‌تواند اشاره به معاد و انعکاس اعمال داشته باشد.

در سوره حشر آیات بسیاری گویای اصل معاد است. از جمله آیات ۳ و ۱۷ اشاره به عذاب آخرت دارد و آیه ۱۸ مؤمنان را دعوت به محاسبه نفس می‌کند و واژه غدّ در این آیه به معنای قیامت است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۴۲). در آیه ۲۰ نیز یکسان نبودن بهشتیان و دوزخیان بیان می‌شود که این مطلب اشاره به معاد و قیامت و حسابرسی به اعمال بندگان در آن روز دارد.

سوره صف، آیه ۱۰ انسانها را به تجارتی رهنمون می‌سازد که نجات بخش از «عذاب الیم» است و آیه ۱۲ وعده دخول در بهشت و منزلهای خوش در جهان آخرت را دربر دارد. این آیات به نوعی بیانگر اصل معادند.

سوره جمعه آیه ۸، صریحاً اشاره به اصل معاد دارد و بیان می‌دارد که مرگ گریزناپذیر است و به سراغ همگان خواهد آمد و در ادامه نیز بر این مطلب تأکید می‌کند که در نهایت خدای دانای نهان و آشکار شما را از آنچه در زمین انجام داده‌اید، باخبر خواهد کرد. گفتنی است آیات ۶ و ۷ نیز تلویحاً اشاره به معاد و نتیجه اعمال دارند.

در سوره تغابن، مهم ترین اشاره به اصل معاد در آیه ۹ است زیرا نام تغابن که یکی از اسامی روز قیامت است در آن آمده است. در ادامه آیه نیز اشاره به پاداش مؤمنان می‌شود و بهشت جاودان جایگاه آنان شمرده می‌شود و در آیه ۱۰ عاقبت کافران و تکذیب کنندگان



آیات الهی آتش جاودان دانسته شده است.

در سورهٔ اعلیٰ، به تعبیر برخی مفسران، آیات ۴ و ۵ که خلقت گیاهان و سپس خشک و سیاه شدن آنان را بیان می‌دارد، در پی اثبات اصل معاد است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۳۸۴). همچنین آیات ۱۲ و ۱۳ آتش بزرگ جهنم را برای سنگدلانی وعده داده است که از تذکرات رسول خدا(ص) می‌گیرند و آیهٔ ۱۷ به صراحت بیان می‌دارد آخرت نیکوتر و پایدارتر است. آیهٔ کریمهٔ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» عصارهٔ مکتب انبیا و دعوت پیامبران است و آیات انتهایی سوره نیز مؤید این مطلب است که معارف ذکرشده در سورهٔ اعلیٰ بر ضمیر تمامی انبیا جاری شده است زیرا سعادت انسان و کرامت نفسش تنها در گرو اشتغال به این مطالب انجام می‌شود. خلاصهٔ مطلب این است که رهایی انسان از بدبختی و شقاوت وابسته به دوری او از دنیا و سایر خواسته‌های نفسانی است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹ق: ۳۷۴).

نتیجه‌گیری

۱. در مجموعهٔ مسبحات، پنج سورهٔ حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن به صورت متوالی یا یک در میان قرار گرفته‌اند و سنخیت و هماهنگی کاملی با یکدیگر دارند. تمامی این پنج سوره با اشاره به تسبیح آنچه در آسمانها و زمین است، برای خداوند عزیز و حکیم آغاز می‌شوند و دو صفت عزیز و حکیم کلید گنجینهٔ مفاهیم آنها به شمار می‌رود. نکتهٔ مهم اینکه این دو صفت در آغاز سورهٔ حدید و پایان سورهٔ تغابن ذکر شده، به این ترتیب تمامی آیات این مجموعه را احاطه کرده است. علاوه بر این، صفت عزیز در قرآن کریم، نود و نه بار و صفت حکیم نود و هفت بار به کار رفته است و در مجموعهٔ سور مسبحات، عزیز نه بار و حکیم هفت بار آمده است. به این ترتیب اختلاف دو رقمی خود را حفظ و اعجازی دیگر از رموز عددی قرآن را ثابت کرده است.

۲. عبارت «له الاسماء الحسنی» تنها چهار بار در قرآن کریم آمده که دو بار از این تعداد، در انتهای سوره‌های اسراء و حشر قرار گرفته است. از طرفی، آیات ابتدایی سورهٔ حدید و آیات انتهایی سورهٔ حشر گویای بسیاری از اسمای حسنی الهی است، به گونه‌ای که سیزده





نام از این اسماء تنها مختص این آیات است و در سایر آیات قرآن کریم نیامده است.

۳. یکی از مهم ترین محورهای موضوعی سور مسبحات، مقامات رسول اکرم(ص) است که در هر سوره جنبه‌ای از آن تفصیل می یابد. این مجموعه با معراج نبی اکرم(ص) در سوره اسراء آغاز شده است و با وعده حفظ و تأیید ایشان در سوره اعلی پایان می یابد.

۴. تمامی سور مسبحات، گویای اصول پنجگانه دین یعنی توحید، نبوت، عدل، امامت و معاندند.

۵. سوره مبارکه اسراء محور سایر سور مسبحات است و سوره مبارکه اعلی حکم نتیجه این سوره‌ها را دارد. گویا این هفت سوره، خود قرآنی مستقل است که مانند یک کتاب، دارای مقدمه ای به نام سوره اسراء، پنج فصل به نامهای حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن و نتیجه ای به نام سوره اعلی است.

۶. سور مسبحات، تقریباً تمام مدت نبوت پیامبر اکرم(ص) را دربر گرفته، زیرا طبق آماری که در این نوشتار ذکر شد، سوره اعلی هفتمین و سوره اسراء پنجاهمین سوره‌های نازل شده در مکه مکرمه است و پنج سوره دیگر یعنی حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن که رقمهای نود و چهار تا صد و ده را در ترتیب نزول به خود اختصاص داده اند از جمله سوره‌های مدنی و تقریباً آخرین سوره‌های نازل شده بر نبی اکرم(ص) هستند. با توجه به این نکات باید گفت هیچ کدام از مجموعه سوره‌هایی که سرآغاز مشترک دارند، از این ویژگیها برخوردار نیستند. بنابراین، مفردات و مضامین مشترک موجود در مسبحات می تواند پاسخی محکم و متقن به شبهات مستشرقان باشد؛ همانان که قرآن کریم را مجموعه ای غیرمنسجم، پراکنده و مضطرب می دانند که پس از رحلت پیامبر(ص)، اصحاب ایشان آن را منظم کرده اند یا اینکه آن را مولود فکر پیامبر اکرم(ص) به شمار می آورند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند. ۱۴۱۵ق. تهران: دارالقرآن کریم.

آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین سیّد محمود. ۱۴۱۵ق. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب



العلمیه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا. *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. ۱۴۱۹ق. *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸ق. *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهشهای
اسلامی آستان قدس رضوی.

انیس، ابراهیم. ۱۳۶۷ش. *معجم الوسیط*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
بازرگان، عبدالعلی. ۱۳۷۲ش. *نظم قرآن*. تهران: قلم.
بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق. *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
بقاعی، ابراهیم بن عمر. ۱۴۱۵ق. *نظم الدرر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
حوی، سعید. ۱۴۱۴ق ۱۹۹۳-م. *الاساس فی التفسیر*. مصر: دارالسلام.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق. *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق، بیروت: دارالقلم،
دارالشامیه.

زحیلی، وهبه بن مصطفى. ۱۴۱۸ق. *التفسیر المنیر*. دمشق: دارالفکر المعاصر بیروت.
زرکشی، محمد بن عبدالله. ۱۴۲۲ق. *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. ۱۴۰۴ق. *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: مکتبه آیةالله
العظمی المرعشی النجفی.

_____ . ۱۴۲۵ق. *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
شحاته، عبدالله محمود. ۱۳۷۴ش. *اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم*، ترجمه سید محمدباقر حجتی.
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۴۱۹ق. *تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ش. *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر
انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه گروهی از مترجمان. تهران:
فراهانی.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق. *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
طوسی، محمد بن حسن. بی تا. *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه. ۱۴۱۵ق. *تفسیر نورالثقلین*. قم: اسماعیلیان.
فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
فرات کوفی، ابوالقاسم. ۱۴۱۰ق. *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد



اسلامی.

قرشی، سیدعلی اکبر. ۱۳۷۱ش. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
قرطبی، محمدبن احمد. ۱۳۶۴ش. الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
قطب، سیدبن ابراهیم. ۱۴۱۲ق. فی ظلال القرآن. بیروت، قاهره: دارالشروق.
قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا. ۱۳۶۸ش. کنزالدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات
وزارت ارشاد اسلامی.

کلینی رازی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۳ش. صحیح الکافی، تصحیح محمدباقر بهبودی. تهران: سنا.
مراغی، احمدبن مصطفی. بی تا. التفسیر المراغی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
موسوی بجنوردی، سیدکاظم. ۱۳۸۰ش. دایرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ
اسلامی.

واحدی، علی بن احمد. ۱۴۱۱ق. اسباب نزول القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.